

## شرط خسارت تأخیر تأدیه در اسناد رسمی

محمد عظیمیان<sup>۱</sup>

چکیده:

مسئولیت قراردادی عبارت است از «التزام متعهد به جبران خسارتی که در نتیجه عدم اجرای قرارداد به طرف او وارد می‌شود». این خسارت معمولاً به وسیله دادن مبلغی پول جبران می‌شود. معاملاتی که موضوع آن وجه نقد است، مثل سایر معاملات ممکن است با نقض تعهد قراردادی مواجه و باعث زیان متعهدگه گردد که موضوع جبران این‌گونه خسارات، می‌تواند به صورت شرط ضمن عقد به تراضی تعیین گردد.

«خسارت تأخیر تأدیه» اختلاف ماهیتی با «ربا» دارد که ضمن تأکید بر حرمت و بطلان معاملات ربوی، جواز و صحت معاملات وجه نقدی که در آن مسئولیت عهدشکن و کیفیت جبران خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه دین، تصریح گردیده است، مورد نظر این مقاله است.

با فرض شرعی بودن شرط خسارت تأخیر، تنظیم و ثبت این‌گونه اسناد در دفاتر اسناد رسمی، توسل به حیل و به‌کارگیری ابزارهای غیرقانونی را کاهش داده و تعاملات اقتصادی افراد جامعه به راه صحیح خود هدایت خواهد گردید.

**واژگان کلیدی:** خسارت تأخیر تأدیه، ربا، سود و بهره، معامله ربوی، معامله وجه نقد.

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۶۴۸ تهران، عضو کمیسیون حقوقی کانون سردفتران و دفترباران و هیئت تحریریه ماهنامه «کانون».

## مقدمه

موضوع «خسارت تأخیر تأدیه» از تاریخ اعلام نظر شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۱۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۱ مبنی بر «غیر شرعی بودن دریافت خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی»<sup>۱</sup> با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است. از یک طرف، به دلیل تأکید اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است» به رعایت موازین شرعی در تصویب قوانین و تفسیر مورخ ۱۳۶۰/۲/۸ شورای نگهبان<sup>۲</sup> دایر بر صلاحیت شورا نسبت به بررسی قوانین قبل از انقلاب و تطبیق آن با موازین شرعی، و تصریح آیات و احادیث به مذمت ربا و نهی از معاملات ربوی و از طرف دیگر، مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی و باورهای انکارناپذیر اقتصادی که «درگذر زمان از ارزش خرید وجه نقد کاسته می‌گردد» و رعایت حداقل میزان رشد تورم در معاملات پولی اشخاص، نگاه واقع‌بینانه‌ای است که

۱. ماده ۷۱۲ ق.ا.د.م.م: «مدعی حق دارد در ضمن دادخواست یا در اثناء دادرسی جبران خسارتی که به سبب دادرسی یا به جهت تأخیر اداء دین یا انجام تعهد و یا تسلیم خواسته به او وارد شده و یا خواهد شد از طرف دعوی بخواهد و نیز مدعی علیه می‌تواند خسارتی را که به سبب دادرسی به او وارد شده است قبل از اعلام ختم دادرسی از مدعی مطالبه نماید. در این صورت، دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوی یا به موجب حکم علی‌حده محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود مگر در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد که در این صورت، مطابق قرارداد رفتار خواهد شد».

ماده ۷۱۹ ق.ا.د.م.م: «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از این که راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده (۱۲ درصد) محکوم‌بها، در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی به‌عنوان وجه التزام یا مال‌الصلح یا مال‌الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیشتر از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تأخیر حکم داده نخواهد شد لیکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده است، حکم داده می‌شود».

۲. مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به‌طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به‌عهده فقهای شورای نگهبان است. بنابراین قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضایی اجرا می‌گردد و شورای عالی قضایی آن‌ها را مخالف موازین اسلامی می‌داند جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهای شورای نگهبان ارسال دارید.

اقتصاد را از ورشکستگی و تولید را از خمودگی و جمود نجات می‌بخشد، شورای نگهبان را بر آن داشته است تا با حفظ اصول بین این دو مقوله مغایر، آشتی برقرار کند. از این رو، در مقاطعی اخذ سود و بهره از افرادی خاص (خارجیان و افراد غیرمسلمان) یا توسط برخی اشخاص (دولت و بانک‌ها) یا در دعاوی خاص (دعوی صدور چک بلامحل) و نهایتاً تفکیک «بهره» از «خسارت تأخیر تأدیه» مطالبه سود یا خسارت تأخیر تأدیه مجاز تلقی گردیده است.<sup>۱</sup>

این مقاله در دو بخش: ۱ - سیر تحول قوانین و نظراتی که سود و خسارت را مغایر موازین شرعی نمی‌دانند. و ۲ - دلایل قانونی بودن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، ارائه می‌گردد که امید است مورد توجه قرار گیرد.

### بخش اول: سیر تحول قوانین و نظرات

قرآن کریم می‌فرماید؛ الذین یأکلون الربا لا یقومون إلا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بأنهم قالوا إنما البیع مثل الربا و أحل الله البیع و حرم الربا فن جاءه موعظة من ربه فانتهی فله ما سلف و أمره إلى الله و من عاد فاولئك أصحاب النار هم فیها خالدون یمحق الله الربا و یربى الصدقات و الله لا یحب کل کفار اثم؛<sup>۲</sup>

کسانی که ربا می‌خورند همانند کسانی هستند که به‌هنگام به‌پا خواستن دچار آشفتگی جنون گردیده و هم‌آغوش با شیطان شده‌اند، بدان خاطر که گمان برده‌اند بیع همانند ربا است؛ در حالی که خداوند بیع را حلال و ربا را حرام شمرده است. آنان که موعظه خدا را

۱. بحث مهمی که در رابطه با اصل ۴ ق.ا. همواره مطرح بوده، این است که آیا تشخیص فقهای شورای نگهبان درخصوص انطباق قوانین و مقررات با موازین شرعی، ناظر به قوانینی است که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود و وفق اصل ۹۴ باید به شورای نگهبان ارسال شود یا کلیه قوانین و مقررات قابل اجرا را حتی قوانینی که قبل از انقلاب تصویب شده و چون نسخ نشده و قابل اجرا است، نیز شامل می‌شود. در این خصوص شورای نگهبان خود را صالح به تطبیق تمامی قوانین می‌داند و گروه زیادی از حقوق‌دان‌ها صلاحیت شورا را در تطبیق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با موازین شرعی خلاصه می‌کنند.

۲. سوره مبارکه بقره، آیات شریفه ۲۷۶ - ۲۷۵.

پذیرا شدند و به رباخواری خاتمه دادند، گذشت بر آنان روا خواهد بود و کارشان سرانجام با عفو الهی همراه است. هرکس که راه عدوان پیشی گیرد و به رباخواری ادامه دهد آنان اهل دوزخ خواهند بود که در آن مخلد می‌شوند. خداوند ربا را ریشه‌کن نموده و به صدقات برکت و توسعه بخشیده، خداوند هیچ کفار و گناهکاری را دوست نمی‌دارد، چرا که حق را پرده‌پوشی و انکار نموده و آلوده به گناه شده‌اند.<sup>۱</sup>

نخستین آیه تحریم ربا و آیات ۱۳۰ سوره آل عمران و ۳۹ سوره روم تردیدی در حرمت ربا باقی نگذاشته‌اند و آیه‌های ۲۴۵ و ۱۱ سوره بقره و ۱۱ سوره حدید «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً...» نیز با تشویق افراد صاحب مال به پرداخت قرض البته با وصف «حسن» که مراد قرضی است که در آن ربحتی دریافت نگردیده باشد، تأکید بر حرمت ربا چه به صورت ربای معاملی و چه به صورت ربای قرضی دارد.

اما ربا چیست؟

تعریف لغوی ربا «سود یا ربحتی است که وام‌دهنده علاوه بر مبلغ وام از وام‌گیرنده دریافت می‌کند»<sup>۲</sup> و در فقه «کلّ شرط یجزّ النّفع الی صاحبه فهو ربا» یعنی هر شرط نافع که ارزش افزوده محسوب گردد اعم از عین و منفعت یا چیز دیگر ربای قرضی است.<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup>

آقای دکتر جعفری لنگرودی در تعریف ربا آورده است؛ بیع جنس به همجنس (مانند گندم به گندم) در مکیل و موزون به شرط اضافه گرفتن و یا قرض دادن به شرط اضافه شدن. بیع مذکور را بیع ربوی و قرض مذکور را قرض ربوی گویند.<sup>۵</sup>

فصل مشترک تمام تعاریف، شرط اختصاص نفع در اعمال حقوقی منصوص، برای یکی

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، *آیات الاحکام*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، چ. اول، ص. ۹۹.

۲. مشیری، مهشید، *فرهنگ زبان فارسی*، ذیل واژه.  
 ۳ و ۴. عمید زنجانی، همان، ص. ۲۲۷. (برای دیدن تعریف و شرایط و اقسام ربا، ر.ک: *شرایع الاسلام*، محقق حلی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ج. اول، ص. ۱۷۹ و *تبصرة المتعاملین*، علامه حلی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۳، ص. ۳۸۰).

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمیم‌نویزی حقوق*، انتشارات گنج‌دانش، تهران، ۱۳۶۳، ص. ۳۲۷.

از طرفین عقد می‌باشد که شورای نگهبان بدو در اختلاط آن با «خسارت تأخیر تأدیه» با صدور نظریه‌ای غلیظ و شدید، مقررات فصل دوم از باب دهم از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ (خسارت تأخیر تأدیه) را مغایر موازین شرعی اعلام و سپس به شرح ذیل با تأیید قوانین مصوب و پاسخ استفساریه‌های متعدد مراجع، در نظرات سابق خود تجدیدنظر نموده است.

**الف - نظریه مورخ ۱۳۶۱/۴/۸ فقهای شورای نگهبان در خصوص مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی بانکها؛**

بانک مرکزی به‌عنوان متولی نظام پولی و بانکی کشور، اولین مرجع متأثر از ربوی تلقی شدن خسارت تأخیر تأدیه، با انبوه بدهکارانی مواجه گردید که با دریافت وام‌های کلان از بانکها، در پرداخت اقساط آن تعلل می‌نمودند. بنابراین طی نامه شماره ۳۳۶/ه مورخ ۱۳۶۱/۲/۶ بدین شرح از شورای نگهبان سؤال نمود:

*شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*

عطف به مذاکرات مورخ ۱۳۶۱/۱/۶ در خصوص اخذ جریمه ناشی از تأخیر تأدیه مطالبات بانکها از مشتریان خود خواهشمند است با توجه به متن زیر که به‌صورت یک بند از قراردادهای گنجانده می‌شود نظر خود را اعلام فرمایند.

«در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی جریمه‌ای به این بدهی تعلق خواهد گرفت. از این رو، وام یا اعتبارگیرنده، با امضای این قرارداد ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تأدیه‌نشده مبلغ ... برای هر سال نسبت به بدهی مذکور به‌عنوان جریمه خسارت ناشی از تأخیر تأدیه به بانک پرداخت نماید. به‌همین منظور، وام یا اعتبارگیرنده ضمن امضای این قرارداد به‌طور غیرقابل برگشت به بانک اختیار داد که از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، معادل جریمه متعلقه از حساب‌های وام یا اعتبارگیرنده برداشت و یا به همان میزان از سایر دارایی‌های آن تملک نماید. اخذ جریمه تأخیر تأدیه موضوع این ماده مانع تعقیب عملیات

اجرائی برای وصول مطالبات بانک نخواهد شد.<sup>۱</sup>

شورای نگهبان در پاسخ به نامه رئیس بانک مرکزی طی نظریه مورخ ۱۳۶۱/۴/۸ اعلام داشت:

موضوع سؤال در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت، نظریه اکثریت آقایان فقها به شرح زیر می‌باشد؛ عبارت «جریمه‌ای به این بدهی تعلق خواهد گرفت» تبدیل شود به «مبلغی به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت» و عبارت «به‌عنوان جریمه خسارت ناشی از تأخیر تأدیه» تبدیل شود به «برحسب قرارداد» و عبارت «معادل مبلغ جریمه متعلقه» تبدیل شود به «معادل مبلغ مورد قرارداد» و عبارت «اخذ جریمه تأخیر تأدیه موضوع این ماده» تبدیل شود به «اخذ مبلغ مقرر موضوع این ماده».<sup>۲</sup>

ب - لایحه راجع به الحاق یک تبصره به‌عنوان تبصره ۳ به قانون منع دریافت خسارت و جرایم و بهره مندرج در قانون تأمین اجتماعی مورخ ۱۳۶۲/۱/۲۹ «تبصره ۳ - شرکت‌های خارجی که اکثریت سهام‌داران آن غیرمسلمان هستند از شمول این قانون مستثنی می‌باشند مگر در مواردی که در اثر صلح و سازش پرداخت خسارت و جرایم دیرکرد به‌عهده مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت محول گردد، در این صورت تصمیم نهایی با هیئت دولت خواهد بود.»

پس از تصویب قانون منع دریافت خسارت و جرایم و بهره مندرج در قانون تأمین اجتماعی و اجرای آن، این موضوع مورد توجه قرار گرفت که تعدادی از کارفرمایان بدهکار

۱. مهرپور، حسین، مجموعه نظرات شورای نگهبان، مؤسسه کیهان، چ. اول، ۱۳۷۱، ص. ۱۹۰.  
 ۲. مقارن بررسی خسارت تأخیر تأدیه در شورای نگهبان دو استفتا درخصوص موضوع از حضرت امام خمینی (ره) به عمل آمد. استفتای نخست توسط شورای حقوقی بنیاد مستضعفان بدین مضمون که «چون در نتیجه عدم انجام تعهد در موعد مقرر به متعهدله خسارتی وارد می‌آید که در قوانین میزان آن معادل ۱۲ درصد اصل بدهی پیش‌بینی شده است، آیا این خسارت بهره تلقی می‌شود یا خیر؟» و استفتای دوم توسط انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ناظر به کیفیت اجرای مادتين ۳۶ و ۳۷ آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا و احتساب ۱۲ درصد خسارت تأخیر تأدیه بوده که در هر دو مورد پاسخ فرموده‌اند؛ «مبلغی که بابت تأخیر تأدیه گرفته می‌شود، ربا و حرام است.» (رک: همان، ص. ۱۹۲).

به سازمان تأمین اجتماعی، شرکت‌های خارجی و عمدتاً متعلق به افراد غیرمسلمان هستند که بر اثر تأخیر در پرداخت حق بیمه خود باید مبالغی بابت بهره و جریمه دیرکرد بپردازند و این مسئله مطرح شد که آیا گرفتن بهره و خسارت دیرکرد از این شرکت‌های خارجی و غیرمسلمان حرام و ممنوع است، یا این حرمت صرفاً در رابطه با مسلمان‌ها است؟ تبصره ۳ الحاقی به قانون منع دریافت خسارات و جرایم با این تفکر و استدلال که حرمت ربا و بهره در رابطه با مسلمین است و گرفتن بهره از غیرمسلمین که ذمی نباشند اشکال شرعی ندارد،<sup>۱</sup> تصویب شد و بنابراین شرکت‌های خارجی که اکثر سهام‌داران آن غیرمسلمان هستند از معافیت پرداخت خسارات و بهره و ... مستثنی شده‌اند. شورای نگهبان در پاسخ به نامه شماره ۳۹۸۶/ق مورخ ۱۳۶۲/۱/۲۲ مجلس شورای اسلامی نسبت به تبصره الحاقی مذکور چنین اظهار نظر نمود:

«اکثریت سهام‌داران غیرمسلمان شرکت‌های خارجی مجوز دریافت بهره از سایرین نمی‌شود چنان‌که دریافت جریمه نیز اگر به صورت التزام و شرط در ضمن عقد نباشد از مسلمان و غیرمسلمان از اقلیت‌های رسمی ساکن ایران جایز نمی‌باشد.»

شورای نگهبان در این نظریه ضمن تصریح به جواز اخذ بهره از غیرمسلمان، برای اولین بار با تفکیک عناوین «بهره» و «جریمه» خساراتی را که ضمن عقد شرط گردیده و مورد توافق طرفین قرار گرفته، قابل مطالبه اعلام نموده است.

تبصره الحاقی متنازع‌فیه با ایراد شورای نگهبان بدو به صورت «اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی که مستقلاً یا به صورت مشارکت به موجب عقد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی ایفای تعهدات ناشی از قوانین ایران را پذیرفته باشند از شمول این قانون مستثنی می‌باشند ... اصلاح و سپس با ایراد بعدی شورای نگهبان، عبارات نهایی تبصره الحاقی بدین صورت تغییر نمود؛

تبصره ۳ - اشخاص حقیقی غیرمسلم یا اعضای غیرمسلم اشخاص حقوقی خارجی که مستقلاً یا به صورت مشارکت به موجب عقد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی

۱. لا ربا بین الوالد و ولد، لا بین الرجل و زوجته و لا بین المسلم و الحربی بمعنى انه - يجوز اخذ الفضل للمسلم ... *تحریر الوسیله*، ج. اول، ص. ۵۳۹ (به نقل از: مهرپور، همان، ص. ۳۳۷).

ایفای تعهدات ناشی از قوانین ایران را پذیرفته باشند، از شمول این قانون مستثنی می‌باشند...

ج - نظریه مورخ ۱۳۶۵/۲/۹ شورای نگهبان (در رابطه با گرفتن بهره و خسارت دیرکرد از کمیساریای انرژی اتمی فرانسه

شورای نگهبان در پاسخ به نامه شماره ۱۰۱/۱ - ۲/۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۳ نخست‌وزیر وقت بدین مضمون: «نظر به این‌که وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان سرمایه‌گذاری و تملک‌های اقتصادی و فنی ایران) به نمایندگی از طرف دولت به موجب موافقت‌نامه مورخ بهمن ۱۳۵۳ مبلغ یک میلیارد دلار به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و با ضمانت دولت فرانسه وام داده و طبق موافقت‌نامه مربوط مقرر شده است وام‌گیرنده در مدت وام ۸/۷۵ درصد در سال بهره پرداخت نماید و نیز در صورت تأخیر در پرداخت اقساط وام ۱۱ درصد به‌طور مرتب ماهانه بهره پرداخت نموده، علاوه بر آن ضرر و زیان و هزینه‌های متحمل‌ه توسط وام‌دهنده را جبران نماید و با عنایت به این‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کمیساریای انرژی اتمی فرانسه از بازپرداخت اصل و بهره متعلقه امتناع کرده و در نتیجه سازمان سرمایه‌گذاری به‌ناچار برای احقاق حق و وصول مطالبات خویش بنابر شرط مقرر در موافقت‌نامه وام به دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی که مرجع داوری مورد توافق طرفین بوده مراجعه کرده است، لکن کمیساریای انرژی اتمی فرانسه در برابر دعوی مطروحه در دیوان مذکور ضمن دفاعیات در مورد عدم پرداخت دین به استناد قوانین ایران خود را ملزم به پرداخت بهره مقرر در موافقت‌نامه فوق‌الاشعار نمی‌داند، لذا استدعا دارد با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایند مطالبه بهره و خسارت دیرکرد بر مبنای موافقت‌نامه مزبور مغایرتی با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد یا خیر؟ چنین پاسخ داده است: «مطالبه بهره و خسارت دیرکرد بر مبنای موافقت‌نامه مورخ بهمن ۱۳۵۳ برابر با ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و با ضمانت دولت فرانسه با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغایرت ندارد»<sup>۱</sup>.

۱. همان، ص. ۱۶۵.



#### د - جواز اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه از اشخاص خارجی

با توجه به تخصیص حرمت اخذ ربا و خسارت تأخیر تأدیه به اشخاص معین، شورای نگهبان در پاسخ به نامه شماره ۵۳۰۱۸ مورخ ۱۳۶۶/۷/۱۲ نخست‌وزیر وقت اعلام داشت؛ «دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از دولت‌ها و مؤسسات و شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند، شرعاً مجاز است، لذا مطالبه وصول این‌گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد.»<sup>۱</sup>

#### ه - قانون نحوه وصول مطالبات بانکها

همان‌گونه که قبلاً متذکر گردید، اجازه یا منع دریافت سود و خسارت تأخیر تأدیه فراز و نشیب‌های فراوانی داشته و در طول ۳۳ سال که از عمر انقلاب می‌گذرد، در مقاطع مختلف با شدت و ضعف‌هایی همواره مورد توجه مراجع قانون‌گذاری و مجریان امر به‌ویژه بانک‌ها بوده است. تأکید بر غیرشرعی بودن مطالبه سود و خسارت تأخیر تأدیه، نه این‌که بانک‌ها را از دریافت خسارات متعلقه که در اثر تعلل بدهکاران وام‌های بعضاً کلان ایجاد گردیده بود، محروم می‌نمود بلکه عده‌ای از وام‌گیرندگانی را که قبلاً سود یا خسارت تأخیر تأدیه به بانک‌ها داده بودند، بر آن داشت تا با تقدیم دادخواست به محاکم قضایی موضوع استرداد آن مبالغ را مطرح و برخی از محاکم نیز در مقام صدور حکم علیه بانک‌ها برآمدند که جهت جلوگیری از بحران مالی احتمالی اعطاکندگان تسهیلات و تنظیم و تنسيق مقررات ناظر به سود و خسارت تأخیر تأدیه، موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و منجر به تصویب قانون «نحوه وصول مطالبات بانک‌ها» گردید که مطابق آن حق مطالبه تمام وجوه اعم از اصل، سود و خسارت و سایر متفرعات برای بانک‌ها مورد تصدیق قرار گرفت. حتی در مواردی که قبل از تصویب قانون، مطالبات بانکی بدون رعایت سود و خسارت و... در مرجع قضایی مورد لحوق حکم قرار گرفته بود، بانک‌ها اجازه یافتند با

۱. همان، ص. ۳۴۳.

درخواست تصحیح حکم از مرجع صادرکننده، وصول مطالبات مربوطه را تعقیب نمایند.<sup>۱</sup>

و - مواد ۵۱۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ با غیرشرعی اعلام شدن خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ تا ۷۲۳ ق.آ.د.م. توسط شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ تا زمان تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب که مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مورد لحوق حکم قانون‌گذار قرار گرفت، قریب به ۳۰ سال می‌گذرد. در گذر زمان، عرف مسلم و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، قانون‌گذار را بر آن داشت تا با اختصاص باب نهم از قانون مذکور به «مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد» و جایگزین ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب به جای مواد ۷۱۲، ۷۲۰ و ۷۲۱ ق.آ.د.م. و تأکید بر استحقاق داین به مطالبه اصل دین و خسارت تأخیر بر مبنای شاخص سالانه اعلام‌شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۵۲۲ قانون، به تمامی شبهات پایان بخشد. بدین ترتیب با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، قواعد ناظر به خسارت تأخیر تأدیه، اعم از این که قرارداد خاصی بین طرفین منعقد شده یا قراردادی موجود نباشد، دچار تحول اساسی گردید که در بخش آتی نتایج این تغییرات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.<sup>۲</sup>

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام در دی‌ماه ۱۳۶۸ مصوبه‌ای را تحت عنوان قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها به تصویب رساند که در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ به تأیید مقام معظم رهبری رسید. متن تأییدیه مقام معظم رهبری بدین شرح است: «مصوبه مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام در مورد مطالبات بانک‌ها و دعاوی مربوط به این امر، مورد تأیید و لازم‌الاجرا است. بدین وسیله مفاد آن به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ می‌شود - سیدعلی خامنه‌ای»، مهرپور، حسین، همان، ص. ۱۹۹.

۲. ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م.م: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثناء دادرسی و یا به‌طور مستقل جبران خسارت ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد هم‌چنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خواننده مطالبه نماید. خواننده نیز می‌تواند خسارتی را که عمدتاً از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یادشده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به‌موجب حکم جداگانه محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد.

تبصره ۱ - در غیر مواردی که دعاوی مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود،

### ز - دیدگاه شورای نگهبان در مورد ماده ۳۴ قانون ثبت

متعاقب استعلام شورای عالی قضایی مبنی بر چگونگی احتساب و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه اسناد رسمی و اجرایی که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مطرح گردیده بود، شورای نگهبان نظراتی در مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۲ و ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ اعلام داشته که نظریه اخیر بدین شرح می‌باشد: «آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت و تبصره ۴ و ۵ و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین‌نامه اجرایی ثبت که اخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به‌عنوان خسارت تأخیر تأدیه مجاز شمرده است خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود.»<sup>۱</sup>

#### بخش دوم: ادله قانونی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه

بدون تردید، دلایل حرمت ربا بر کسی پوشیده نیست و دفاتر اسناد رسمی به‌عنوان مرجع انحصاری و اختصاصی تنظیم و ثبت سند رسمی، مطابق ماده ۱۰ ق.م.م. می‌باید نفوذ قراردادهای خصوصی بین اشخاص را به عدم مخالفت صریح آن با قانون، محدود و وفق ماده ۳۰ ق.د.ا.ر.ک. مصوب ۱۳۵۴ از تنظیم و ثبت اسنادی که مفاد و مدلول آن، مخالف قوانین و مقررات موضوعه و نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، خودداری نمایند. در صورت عدم تفکیک مقولات «سود و بهره» و «خسارت تأخیر تأدیه» همان‌گونه که در نظرات اولیه و متعدد فقهی شورای نگهبان مشهود بود، با ربوی تلقی شدن قراردادهایی که طرفین به دریافت مبلغی [به‌عنوان] خسارت، در حالت عدم تأدیه دین یا تأخیر در پرداخت آن، توافق دارند، نمی‌توان ترتیب اثر داد و درج چنین شرطی در اسناد رسمی، می‌تواند از جمله شروط موضوع بند ۳ ماده ۲۳۲ ق.م.م. (شرط نامشروع) تلقی گردد. اما بنا به

<sup>۱</sup> مطالبه خسارت‌های موضوع این ماده مستلزم تقدیم دادخواست نیست. تبصره ۲ - خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد.

ماده ۵۲۲ ق.ا.د.م.م. در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحوه دیگری مصالحه نمایند.

۱. همان، ص. ۱۹۴.

دلایل ذیل، توافق اشخاص به درج چنین شرطی در قراردادهای تنظیمی با موازین شرعی و قانونی مبینتی ندارد؛

*الف - تفاوت ماهیتی «ربا» و «خسارت تأخیر تأدیه»*

همان گونه که در بخش نخست متذکر گردید، ربا در لغت و فقه به معنی زیاده است<sup>۱</sup> و وجه تمایز آن با «خسارت تأخیر تأدیه» وجود دو رکن اصلی است که ماهیت و جوهر «ربح پول» را می‌سازد:

«نخست این که؛ مال به دست آمده یکی از دو عوض معامله یا از توابع آن باشد و سببی جداگانه و مستقل نتوان برای تملک فرض کرد. دوم این که؛ چیزی زیاده از آنچه داده شده است، باشد»<sup>۲</sup>. برای مثال، اگر بر مقتض شرط گردد که در پایان مدت بیش از مال مورد قرض به مقرض مسترد دارد، اولاً مال یا مبلغ مورد توافق اخیر، زیاده است و ثانیاً مال به دست آمده به عنوان معوض و تملک آن در اجرای قرارداد اصلی حاصل گردیده است که به لحاظ تفاضل و نهی موازین شرعی نسبت به قسمت زیادی، عقد، فاقد اثر قانونی و در نتیجه تملک شرعی حاصل نمی‌گردد؛ ولی آنچه در قانون زیر عنوان «خسارت تأخیر تأدیه» آمده، هیچ‌یک از دو رکن اصلی را ندارد:

۱ - مبلغ اضافی نیست که بیش از مبلغ اصلی به وام‌دهنده پرداخت می‌شود؛ کمترین خسارتی است که طلبکار در نتیجه محروم ماندن از سرمایه خود در وعده معهود تحمل کرده است. این غرامت نیز ترکیبی از دو رکن اصلی خسارت است: بخشی ناشی از سود از دست رفته است و بخش دیگر، ناشی از ضررهای متعارف و از جمله کاستی [ارزش ریالی قدرت و] توان خرید پول.

۱. آیا ادله حرمت ربا، قرض‌های استنتاجی را نیز در برمی‌گیرد؟ پاسخ: عدم حرمت قرض ربوی استنتاجی (که نه تنها باعث جلوگیری از معروف و تجارت و کسب و کار نمی‌شود بلکه وسیله‌ای برای رونق بازار و اقتصاد سالم است) خالی از قوت نیست هر چند احتیاط در به کار بردن حیل در این قسم ربا و زیاده، مطلوب است و ادله حرمت ربا شامل این گونه زیاده‌های استنتاجی همانند انواع دیگر از زیاده نیست و ربا لغتاً و عرفاً و روایتاً به معنای مطلق زیاده است...

(رک: آیت... صانعی، یوسف، *استفتائات قضایی*، نشر میزان، ج. ۲، چ. ۲، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۷).

۲. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج. ۴، شرکت سهامی انتشار، چ. ۲، ۱۳۷۶، ص. ۲۷۰.

۲- این ضررها ناشی از عهدشکنی بدهکار است و او باید مطابق قواعد ضمان قهری ضرری را که سبب آن شده است، جبران کند.

هرچند به ظاهر چنین می‌نماید که صدور حکم بر خسارت تأخیر تأدیه امر به دادن پول زیادتر از اصل طلب است ولی بدین‌ظاهر نباید اعتماد کرد: در حقوق ما، چون خسارت به‌طور معمول به پول پرداخت می‌شود، در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است، اگر مالی از همان جنس و زاید بر طلب به مدعی پرداخته شود، این اقدام همانند رباخواری می‌نمایند. لیکن از نظر تحلیلی، سبب گرفتن پول دوم، توافق دو طرف بر زیاده‌خواری در برابر مؤجل‌ساختن دین حال نیست. سبب تقصیری است که بدهکار در اداء دین مرتکب شده و از این راه به طلبکار خسارت زده است. پس آنچه بابت خسارت تأخیر گرفته می‌شود عوض اضافی در برابر دین نیست؛ التزامی است جداگانه که سبب آن تقصیر بدهکار است و در شمار ضمان قهری می‌آید. به بیان دیگر، خسارت تأخیر تأدیه سبب ویژه و مشروع خود را دارد و بدل زاید بر اصل نیست تا «خوردن مال دیگری به باطل» باشد.<sup>۱</sup>

این واقعیت در تفسیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ به روشنی متجلی گردیده که افزودن مبلغی بر مبنای نرخ تورم به مبلغ اسمی دین، جز تأدیه اصل دین، در فرض عدم تأخیر در تأدیه، ماهیت حقوقی دیگری ندارد و در فرض تأخیر، به‌لحاظ کاسته شدن از قدرت خرید طلبکار و ایجاد این سبب توسط مدیون عهدشکن، جبران خسارت ناشی از نقصان قدرت خرید را نباید چیزی جز اصل دین پنداشت تا تردید در مشروعیت مطالبه آن ایجاد گردد.

مبنای مسئولیت مدیون در جبران خسارت تأخیر تأدیه چنانچه تصریحاً در قرارداد منعقدۀ مورد توافق قرار نگرفته باشد، ضمان قهری است که میزان آن در قواعد و مقررات فعلی حاکم، نرخ تورم اعلام‌شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است و چنانچه تصریحاً در قرارداد مورد توافق باشد. مبنای مسئولیت متعهد را می‌باید نقض تعهد

قراردادی و میزان آن را با رعایت شرایطی، مفاد قرارداد دانست. به عبارت دیگر، در حالت نخست، قانون کسی را که به‌طور نامشروع به دیگری ضرر زده است، مسئول قرار می‌دهد و شرایط و نتایج این تعهد را قانون معین می‌کند و در حالت اخیر (وجود قرارداد) «اصولاً» اراده است که حکومت دارد و مبنای تعهد قرار می‌گیرد و شرایط مسئولیت را به‌وجود می‌آورد، توافق طرفین، نه تنها تعهد اصلی را ایجاد می‌کند، به‌طور ضمنی نیز به نتایج اجرا نشدن آن و چیزی که باید بدل تعهد اصلی قرار گیرد، نظر دارد و منبع این تعهد معادل نیز هست»<sup>۱</sup>.

### ب - حکم قانون

#### ب-۱- قانون مدنی

ماده ۲۲۸ ق.م. که مقرر داشته «در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید» و ماده ۲۲۱ که تصریح نموده: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد». و ماده ۲۰۳ ق.م. که در این خصوص تأکید نموده: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید» همگی مبنای قانونی خسارت تأخیر تأدیه را متذکر می‌گردند.

مطابق این مواد قانونی، ضمان عهدشکن ممکن است در قرارداد، قانون یا عرف مورد تأکید قرار گرفته باشد که در هر سه حالت، عدم اجرای تعهد قراردادی، «تقصیر» و بر طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، هر خسارت که از این تقصیر به بار آید، برعهده طرف مدیون در قرارداد است. بنابراین وجود شرط مسئولیت تأخیر در تأدیه، عهدشکن را موظف به جبران خسارت وارده، وفق مواد قانونی فوق‌الذکر و سایر قوانین می‌نماید.

#### ب-۲- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

مواد ۵۱۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ واجد

۱. کاتوزیان، حقوق مدنی، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص. ۴۵.

احکامی خاص دایر بر جواز مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از متعهد و مدیون عهده‌شکن می‌باشد. به‌ویژه تصریح قسمت اخیر ماده ۵۱۵ «در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد» و تبصره ۲ «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد» دربردارنده حکم حالتی است که طرفین ضمن قبول تحمیل مسئولیت ناشی از نقض قرارداد، نسبت به میزان و کیفیت جبران خسارت نیز توافق دارند. بنابراین تصریح این مواد قانونی دلیل دیگری بر مشروعیت شرط جبران خسارت تأخیر تأدیه در قراردادها است.<sup>۱</sup>

ج - تفسیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ با الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون صدور چک مقرر نمود: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های واردشده که مستقیماً و به‌طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید».

با توجه به اطلاق عنوان «خسارت» در تبصره الحاقی و وجود تردید در شمول آن به خسارت تأخیر تأدیه به لحاظ وجود سوابق اظهارنظر شورای نگهبان مبنی بر غیرشرعی بودن

۱. ر.ک.: نظریه شماره ۷/۳۱۴۱ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۳ اداره حقوقی قوه قضائیه:

«با عنایت به تفسیر مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی، «خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام ...» می‌شود قابل مطالبه است و نظر به این که طبق قسمت اخیر ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی «در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد» و نظر به این که با عنایت به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ «خسارت ناشی از عدم‌النفع ... و ... تأخیر تأدیه ...» نیز خسارت شناخته شده و از شمول اصطلاح «خسارت» مذکور در قسمت اخیر ماده ۵۱۵ خارج نیست، چنانچه در قرارداد خاص بین طرفین قابل مطالبه تعیین شده باشد، باید برابر قرارداد رفتار شود»

(شهری، غلامرضا و سایرین، مجموعه تفسیر شده قوانین و مقررات حقوقی، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۸۴، ج. اول، ص. ۳۱۸).

این گونه خسارات، رویه‌های متعددی در دادگاه‌ها اتخاذ گردید تا این که در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام با تفسیری قانونی از تبصره الحاقی، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، را جزو حقوق دارنده چک اعلام و در نتیجه برای اولین بار موضوع مطالبه خسارت تأخیر تأدیه اعم از این که طرفین قرارداد اشخاص حقوق عمومی یا حقوق خصوصی باشند، مورد تأیید قرار گرفت.

#### د - نظریات شورای نگهبان

سیر تحول نظرات فقهی شورای نگهبان در بخش نخست مورد بررسی قرار گرفت، نظراتی که با ممنوعیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه به لحاظ غیرشرعی تلقی شدن، آغاز و به جواز اخذ این گونه خسارات در سال‌های بعد منتهی گردید. در این میان، نظریه صریح مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۵ بدین عبارت که «خسارت تأخیر تأدیه ربا نیست و اگر در ضمن عقد شرط شده باشد بی‌اشکال است ...» بیانگر تغییرات اساسی در دیدگاه و خود دارای ۲ خصیصه است: اول این که؛ مطلقاً موضوع «خسارت تأخیر تأدیه» از «ربا» جدا است و نباید این دو را که ماهیت متفاوتی دارند از یک جنس قلمداد نمود و بنابراین هر یک دارای احکام و شرایط مختص به خود می‌باشند. دوم این که؛ توافق طرفین بر تأدیه خسارت تأخیر و شرط آن ضمن عقد بلاشکال است. به عبارت دیگر، درج شرط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از متعهد در سند، به میزان تورم سالیانه که توسط بانک مرکزی اعلام می‌گردد یا این گونه خسارات به اضافه سایر خساراتی که عهدشکن سبب ورود آن می‌باشد، مورد تأکید شورای نگهبان قرار گرفته که ضمن اعتبار به قراردادهای خصوصی اشخاص، محاکم قضایی را از تشکیل پرونده‌های این گونه دعاوی در امان می‌دارد.

#### ه - یکسان بودن ماهیت خسارت تأخیر تأدیه در مورد دعاوی چک و سایر موارد

تفسیر تاریخی مجمع تشخیص مصلحت نظام از تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ که مقرر می‌داشت: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های واردا شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه



قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید.» در پاسخ به این سؤال که «آیا مراد از خسارت و هزینه‌های مقرر در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون یاد شده کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تأخیر تأدیه و امثال آن می‌باشد؟» در این صورت، مبنای محاسبه خسارات، مقررات بانکی است یا مبنای آن عرف می‌باشد که قاضی به استناد نظریه کارشناسی یا سایر طرق نسبت به استخراج خسارت اقدام می‌نماید». بدین شرح «منظور از عبارت (کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده ...) مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه قانونی است» مجوز صریح مشروع بودن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در دعاوی مربوط به چک می‌باشد و قطعاً خصوصیتی در خسارت تأخیر تأدیه مطالبات مستند به چک نیست که در این مورد آن را مشروع و در سایر موارد غیرشرعی تلقی کنیم. نهایتاً تا قبل از احراز ویژگی خاص، در مطالبات مستند به چک که باعث تخصیص حکم قانونگذار گردد، عدم تعمیم آن به سایر دعاوی و یا توافقات، از مصادیق ترجیح بلامرجح و قبیح می‌باشد. بنابراین به لحاظ اشتراک ماهیت خسارت تأخیر تأدیه در مطالبات مستند به چک و سایر مطالبات، این گونه خسارات به طور کلی شرعی و تنظیم و ثبت توافق اشخاص در پرداخت آن مبنای با موازین قانونی ندارد.

#### نتیجه:

وجه نقد و پول در واقع، نماینده مقدار و میزان «قدرت خرید» است. تجربه نشان می‌دهد که این قدرت، گاه تند و گاه آرام رو به کاستی می‌رود. از دیرباز هم دریافته‌اند که؛ نه تنها عهدشکنی مدیون، طلبکار را از انتفاعی مسلم محروم می‌کند، گذر زمان از ارزش واقعی پول نیز می‌کاهد. پس اگر گفته شود که خسارت تأخیر مقداری پول زیاده بر طلب نیست و وسیله جبران خسارت و کمبود ارزشی است که بدهکار می‌دهد، نباید موجب شگفتی باشد.<sup>۱</sup>

۱. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، همان، ص. ۲۷۲.

به طور خلاصه، در این که تأخیر مدیون باعث از دست رفتن بخشی از ارزش پول و مانع امکان استفاده از منافع آن است، تردید نباید کرد. این ارزش و منفعت را یا باید به طلبکار داد یا از آن بدهکار شمرد و سؤال اخلاقی در این است که کدام یک در تملک آن صلاحیت بیشتری دارد؟ آنکه این ارزش را به دلیل عهدشکنی از دست داده است یا آنکه وفای به عهد را به تأخیر انداخته و از آن سود برده است؟ به بیان دیگر، جلب نفع بدهکار مهم تر است یا جبران ضرر طلبکار؟

همان گونه که انصاف حکم می کند به مدیون درمانده و با حسن نیت «مهلت عادلانه» داده شود عدالت نیز اقتضا دارد که از تشویق بدهکار متجاوز و عهدشکن و دادن امکان سوءاستفاده به او خودداری شود. و این مهم محقق نخواهد گردید مگر با شرعی و قانونی دانستن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه و استفاده از روش درج شرط در قراردادها و تعیین دقیق کم و کیف این گونه خسارات در اسناد رسمی.<sup>۱</sup>



۱. ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران: «به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، عقود اسلامی استصناع، مرابحه و خرید دین اضافه می شود. آیین نامه اجرایی این ماده به تصویب هیئت وزیران می رسد».